



شهید احمد زارعی (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) — صفار زاده (نویسنده) — حمید سبزواری (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصر الله درماتی (شاعر) — مسعود شجاعی (ناشر) / کارگزارنِ ست — حبیب الله معلمی (شاعر) — علیرضا قزوین (شاعر) — محمدعلی گودینی (نویسنده) — علی محمدنویز (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت وحیدی (شاعر) — مولانایان (نویسنده و تصویرگر)

شعر

پیوند

حجت الاسلام زکریا اخلاقی



صبح تجلی طرح آدم بر زبان رنگ‌ها آمد

باران گرفت و عشق با بوی خوش نارنگ‌ها آمد

آدم به باغ هستی از پیمان‌ه حوّا شکوفا بود

چرخ زمان چرخسی زد و ابلیس با نیرنگ‌ها آمد

از سفر پیدایش سفرهای بشر آغاز شد در عشق

با کاروان آفرینش با نوای زنگ‌ها آمد

دریا به دریا در هوای این رسیدن‌های بی‌ساحل

صحرا به صحرا در طنین جذبه آهنگ‌ها آمد

آیین‌ها بر بام آیین‌ها درخشیدند و چرخیدند

اشراق مذهب‌ها دمید و تابش فرهنگ‌ها آمد

گل‌های سرخی کاشت بر پهنای راه این کاروان، آری

تقدیر این بود از مسیر صلح‌ها و جنگ‌ها آمد

انسان بسی رنجیده بود از دانه‌ها و دام‌های راه

با این‌همه فرسنگ‌ها عاشق شد و فرسنگ‌ها آمد

شاعر تمام راه را بی‌اختیار آواز حیرت خواند

شاعر تمام راه را در بارش آهنگ‌ها آمد

شاعر! کجای این حکایت می‌نشینی، شعر می‌گویی؟

شب محو شد، برخیز، صبح از سمت رنگارنگ‌ها آمد

این قصه موزون که می‌گویی، هزاران بار در تاریخ

از پردهٔ دف‌ها وزید و با خروش چنگ‌ها آمد

شاعر نشست و بیت آخر در سکوت، آهسته آهسته

چون چشمه شیرین عشق از لابه‌لای سنگ‌ها آمد

حال و هوای چشم تو شعر مرا سرود



هادی خورشاهیان

ای شرقی همیشه که شعرم برای توست

در بیت بیت هر غزلم رد پای توست

احساس می‌کنم که کمی دوست داری‌ام

تنها دلائل منطقی‌ام چشمهای توست

گویا مرا به نام حقیقی صدا زدی

باور کنم – پرنده من – این صدای توست؟

حال و هوای چشم تو شعر مرا سرود

شعرم همیشه حاصل حال و هوای توست

همواره انتهای غزل خوب می‌شود

وقتی که انتهای غزل ابتدای توست

در ابتدای چشم تو شعری شروع شد

شعری که بینهای قشنگش برای توست

adabhonar@kayhan.ir



شهید احمد زارعی (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) — صفار زاده (نویسنده) — حمید سبزواری (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصر الله درماتی (شاعر) — مسعود شجاعی (ناشر) / کارگزارنِ ست — حبیب الله معلمی (شاعر) — علیرضا قزوین (شاعر) — محمدعلی گودینی (نویسنده) — علی محمدنویز (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت وحیدی (شاعر) — مولانایان (نویسنده و تصویرگر)

یزید و ریگی در نمایشگاه یهنم دری

عرضه رایگان کتابهای وهابیت از جمله یزید، امیرالمؤمنین و کتابهایی با موضوع نفی عصمت ائمه اطهار(ع) و نیز دروغین بودن خطبه فدک حضرت فاطمه زهرا(س) در نمایشگاه کتاب زاهدان، شگفتی برخی از بازدیدکنندگان و ناظران آگاه را در پی داشت.

به گزارش منابع خبری، علاوه بر فروش کتب مبلغ وهابیت، کتابهایی درباره بانی گری و تمجید از بهائیت در نمایشگاه عرضه گردید و نیز قرآن و ادعیه چاپ رژیم آل سعود در معرض نمایش قرار گرفت.

براساس همین گزارش کتابی با عنوان «مبارزه با دخانیات» در نمایشگاه امسال عرضه شد که محتوای آن در اصل درباره زندگی ریگی معدوم علیه جمهوری اسلامی است. همچنین چند کتاب با ظاهرسازی و روی جلد مرتبط با محکومیت گروه‌های تروریستی و ضدیت با آنها ارائه شده که محتوای آن برخلاف روی جلدشان تبلیغ‌کننده مرام و مسلک گروه‌ک‌های چون داعش، جیش‌الاسلام، جیش‌النصره، النهضة و... بوده است.

گزارش دیگری حاکی است برخلاف ضوابط نمایشگاه کتاب که بر مبنای آن عرضه هرگونه نشریه ممنوع است، نشریه‌ها و مجلات وابسته به گروه‌ک‌های تجزیه‌طلب و گروه‌ک‌های مشابه سپاه صحابه و مستقر در پاکستان در نمایشگاه پخش گردیده است.

در این گزارش آمده است پخش کتاب‌های ضدشیعی به ویژه کتب ضمه‌دودیت به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و انگلیسی در دو روز پایانی نمایشگاه کاملاً علنی شد.

جولان کتاب‌های ضاله و ضددینی از یک سو و عرضه کتاب‌های معاندین نظام و انقلاب از سوی دیگر در نمایشگاه امسال هنوز واکنشی از سوی متولیان و مسئولان فرهنگی را در پی نداشته است. نمایشگاه کتاب زاهدان با اعتبار ۷ میلیارد ریال بن رایگان چندی پیش آغاز به کار کرده بود.

اظهار نظر عجیب!

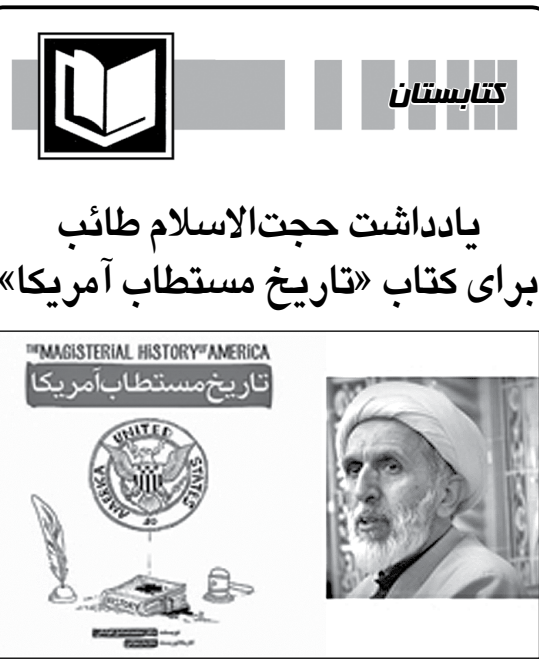
رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اخیراً در اظهاراتی عجیب گفته است: «صدا و سیما بزرگ‌ترین آسیب اجتماعی ایران است.»

وی در ادامه افزوده: «اگر مردم از صدا و سیما استفاده نکرده و به طور کلی آن را خاموش و حذف کنند هیچ اتفاق منفی برای آنها نمی‌افتد.»

جوادی یگانه در ادامه عنوان کرد: «مانی که تلویزیون در میان مخاطبان دارای اعتبار بود یک دانشمند و محقق مدعی شد که چنانچه کسی ۶۰ سال مدام تلویزیون ببیند قطعاً خرفت خواهد شد. این در حالی است که الان شبکه‌های مجازی وضعیتی به شدت منحط‌تر و بدتر از تلویزیون دارند.»

وی سپس در تعارضی آشکار رسانه‌های همگانی اینترنتی از جمله اینستاگرام، فیس‌بوک و یوتیوب را رسانه‌های تعالٰی قلمداد کرده و برخی از کانال‌ها را مورد ستایش قرار داده است.

جوادی یگانه اما به این پرسش پاسخ نداده چرا در زمانی که خود یکی از مدیران پژوهشی صدا و سیما بوده، چنین ادعایی را مطرح نکرده است؟ ضمن اینکه مسئول یک مجموعه پژوهشی و تحقیقاتی بودن اتکا به داده‌های تحقیقی و نظرسنجی‌های محققانه نباید این‌گونه با مطلق‌اندیشی، نظریه‌ای را که فاقد پایه و اساس علمی است در افکار عمومی عنوان نماید.



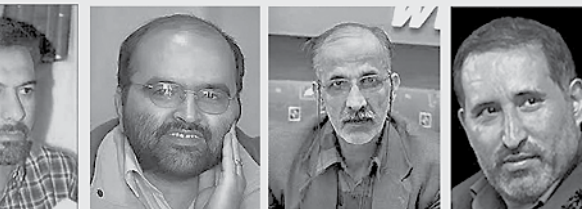
حجت‌الاسلام مهدی طائب در یادداشتی به ویژگی کتاب «تاریخ مستطاب آمریکا» اشاره کرده است.
حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی طائب پیرامون کتاب «تاریخ مستطاب آمریکا» که از سوی انتشارات خاکریز ایمان و اندیشه منتشر شده حاشیه‌ای نوشته که در ادامه منتشر می‌شود:

باسمه تعالی
گاهی اقامات جنایتکارانه از نفل یا سازمان یا گروه یا یک رژیم آن قدر زیاد و پر دامنه بوده و هست و در قدر تاری می‌شود که دیگر عادی شده، نقل آن توجه کسی را جلب نمی‌کند و وقتی می‌گویند آدم کشت یا خانه سوزاند، کسی سر بر نمی‌گرداند و متعجب نمی‌شود و عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و چنان از کنارش عبور می‌کند که گویا این باید باشد و چیز مهمی نیست و ما را به یاد می‌آورد که خونریزی در زمین ریخته شده، توجهی نمی‌شود.

این یک آفت بزرگ است که اگر رخ داد، جوگیرگی از جنایات‌ای او رفته رفته کم‌رنگ و فراموش می‌شود و در استمرارش باقی مانده، به یکبارہ شخص و اشخاص بی‌تفاوت، جنایتکار را بالای سر خود دیده، قربانی همان جانی می‌شوند. در چنین حالتی یکی از راههای مقابله با این آفت بر خطر، تغییر ادبیات و ایجاد تفاوت در گفتار و بیان است که کمک فراوانی به هشیاری و توجه لازم می‌کند. از این پس نگویید جنایت کرد، بلکه فریاد بلند شود که تلاشی خدمت کرد و از سر لطف اقداماتی را انجام داد! اینجا است که نظرها جلب می‌شود و سرها به سوی ناقل می‌چرخد و چشم‌ها خیره که قشای لطف و کرد کم کرد؟ مگر می‌شود؟ آنگاه اطاف او را تعریف کرد. آدمی که فلاحت ویران کرد، زن و فرزند را از شوهر و پدر آواره شکت کرد. به بردگی و بیگاری گرفت. آنگاه است که شنونده یا خواننده متوجه غفلت دیرپای خود از جنایات می‌شود.

«تاریخ مستطاب آمریکا» اولین نوشته در نوع خود با این لطافت و ویژگی است. مستطاب یعنی خوش و نیکو و پسندیده، حالا این صفت برای تاریخ ایالات متحده آمریکا، به راستی در نگاه اول خواب از چشم خواننده می‌ریاید. تاریخ خوش و نیکو و پسندیده برای آمریکا؟ ما را چه شده؟ او چه کرده که نیکو گشته؟ و اینگونه کتاب را تا پایان بخوانید و پرسش خویش را کامل کنید.

این کتاب را محمدمصدق کوشکی عضو هیات علمی دانشگاه با ربانی طنز و نرم نوشته و مازیار بیزنی کاریکاتورهای آن را کشیده است.



شهید احمد زارعی (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) — صفار زاده (نویسنده) — حمید سبزواری (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصر الله درماتی (شاعر) — مسعود شجاعی (ناشر) / کارگزارنِ ست — حبیب الله معلمی (شاعر) — علیرضا قزوین (شاعر) — محمدعلی گودینی (نویسنده) — علی محمدنویز (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت وحیدی (شاعر) — مولانایان (نویسنده و تصویرگر)

محمد مهدی رسولی: شعر با «روزمرگی» می‌میرد!

درست است که این دو رودخانه در یک مسیر موازی از ذهن من جاری هستند اما هر یک، طعم و لحن و لهجه منحصر به خود را دارند.
*** لحن کودکان کارهایتان به درگیری مخاطب با شعر، کمک می‌کند، چون سادگی و حس دروغ نسبت به کودکی را دامن می‌زند. این لحن از کجا می‌آید؟**

زیست در نشئه کودکی، نه تنها در شعر بلکه در دیگر قالب‌های هنری، هنرمند را به سرچشمه بی‌تمامی می‌رساند که جوشش و استمرار مضمون را تضمین می‌کند. مواد و عناصر اولیه مضمون‌سازی و آرایش و پیرایش آنها همواره در خانه هزار اتاق کودکی، در فضا، معلق و در دسترس هنرمند خواهد بود. تا اینجا صحبت از مضمون بود اما لحن، موضوع دیگری است. لحن یک کارکرد فرمالیستی دارد. لحن کودکانه، مضامین پیچیده شاعرانه را در لباس راحتی، روی مخده نرم درک شعر می‌نشانند. اما یادمان باشد که این درک، فقط مربوط به لایه اول متن است. برای دریافت لایه‌های بعدی، لحن، کم رنگ می‌شود و حتی فراموش می‌شود اما بلافاصله پس از دریافت لایه‌های بعدی و جان شعر، دوباره لحن به شعر بازمی‌گردد. این رفت و آمد، محاکات مخاطب با جهان کودکی است که حالا دوباره در پنجاه سالگی متولد شده است.

*** آیا معتقد هستید که شعر متعدد بازتاب جهان معاصر شاعر است؟ چرا این بازتاب در اشعار، داستان و رمان شما، برعکس نقاشی‌هایتان رمزآمیز تر است؟**

من اصولاً عناصر، مضامین و ابزار صورت‌سازی و شکل ورزی آثارم را از جهان زیسته‌ام می‌گیرم؛ اما این مضمون و این شکل تا قبیل از اینکه در حوض ذهن و جان و رؤیاهای من، غوطه نخورد مجوز صدور پیدا نمی‌کنند! این ساز و کار، مضامین مرسوم و مألوف را بار دیگر در پردازشی همه جانبه به زبان جغرافیای معنوی من ترجمه می‌کند. پس از این دگردیسی، مضامین، گاه لحن استعاره به خود می‌گیرد و گاه لباس تبلیغ به تن می‌کند و گاه در مناظر و منازلی دیگر می‌نشیند. در آثار نقاشی ام نیز همین اتفاق به شکل و صورتی مادی‌تر تجسم می‌یابد. اما شعر، اگر به زبان جغرافیای معنوی شاعر ترجمه نشود تبدیل به شعر می‌شود. تبدیل می‌شود به یک مانیفست ناشیانه که به درد دعوای‌های حزبی می‌خورد. شعر اگر نتواند به بیان تغزلی رخدادهای جهان معاصر زیسته‌اش دست یابد، کلماتی بی‌روح و از دست رفته است. در این صورت، این شعر در معرض همه تهدیدها قرار می‌گیرد؛ هم دروغ خواهد گفت، هم صله گیر خواهد شد. هم دغلیازی خواهد کرد، هم نان به نرخ روز خواهد خورد. هم دل‌لکی پیشه خواهد نمود و هم شهر آشوب محله‌های از ما بهتران خواهد شد. در یک کلمه، هر چه باشد، شعر نخواهد بود، وبال می‌شود و می‌آویزد به گردن هر رهگذر تازه واردی و... و البته تصدیق می‌فرمایید این شعر نبودش بهتر است تا بودنش، که بی‌شک در همان اوان بیهودگی، بر اثر بیماری صعب‌العلاج روزمرگی خواهد مرد.

جمع‌آوری می‌کنند. این حکایت آنجایی جالب‌تر می‌شود که بخواهیم بدانیم چه میزان از این لایک‌ها «واقعی» است؟

واقعی بودن به این معنا که لایک‌کنندگان مخاطبان حرفه‌ای ادبیات هستند و درکی (هر چند انسدک از ادبیات دارند تا به مدد آن سره را از ناسره تمیز دهند). آنهایی که با این محیط‌ها سر و کار دارند می‌دانند که تا چه اندازه مسایل غیرادبی (مانند تصویر فرد) در جمع‌

ایسن لایک‌ها دخیل هستند. از طرفی دیگر سبیل مخاطبان غیرحرفه‌ای ادبیات که تنها در این محیط‌ها (و نه از راه مطالعه کتاب) ممکن است با یک شعر یا متن ادبی با هر چیز دیگر هنری روبرو شوند با خواندن و سپس لایک‌های خود نه تنها به ادبیات کمک نمی‌کنند بلکه امروزه تعداد این لایک‌ها مبنایی برای تصمیم‌گیری در مورد توانایی و

سپس شهرت کاذب فرد شده است. افرادی با کمک راهکارهای رسانه‌ای در این فضا برای خود شهرتی نسبی و پا می‌کنند بعد از مدتی کوتاه ابر بر خود آنها نیز مشته می‌شود که حتی توانایی تربیت شاگرد را نیز دارند. این به ظاهر استادان با شهرت‌ها در هنر و خاصه ادبیات است. حال از دیگر موارد آسیب این رسانه‌ها بر ادبیات صرف نظر می‌کنم و تنها به نتکته‌ای در باب کلاس‌های داستان‌نویسی می‌پردازم. با

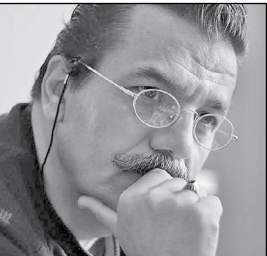
رواج رسانه‌های نوظهور که صورتی کاملاً تعاملی (دوسویه) دارند بر بسیاری از شئونات زندگی ما اثر گذاشته است و به غرب نژد نویسندگان ما مزید بر علت می‌شد. شاید بتوان گفت اولین کارگاه داستان‌نویسی نیز در همان دوره دهه چهل و شکوفا شدن ادبیات معاصر و گرایش نویسندگان به میراث بومی و گسترش ادبیات روستایی و اقلمی بوده است که جوانان در محافل نویسندگانی همچون جلال آل احمد آموزش می‌دیدند و حاصل آن، کتاب‌هایی می‌شد که بعد از گذشت سال‌ها تازگی و جذابیت خاص خود را دارد. به واقع کارگاه‌های داستان‌نویسی در گذشته دست‌کم دو فاکتور مهم را دارا بودند؛ نخست از حضور استادی بهره می‌گرفتند که سال‌های سال با زحمت و ممارست و قلم زدن به اسم و رسمی در جامعه رسیده بود. یعنی این‌شهرت تا حدود بسیاری واقعی بود و دیگر اینکه آنچه در این کارگاه‌ها تدریس می‌شد فقط حاصل سال‌ها مطالعه تند و سریع و بی‌تعق چند کتاب نبود و استاد نویسنده ندارد شهرتشان را مدیون تعداد فالورها و لایک‌هایی هستند که در محیط مجازی



شهید احمد زارعی (شاعر) — امیر حسین فردی (نویسنده) — ابوالفضل عالی (گرافیست) — شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) — صفار زاده (نویسنده) — حمید سبزواری (شاعر) — مهرداد اوستا (شاعر) — نصر الله درماتی (شاعر) — مسعود شجاعی (ناشر) / کارگزارنِ ست — حبیب الله معلمی (شاعر) — علیرضا قزوین (شاعر) — محمدعلی گودینی (نویسنده) — علی محمدنویز (شاعر) — اکبر صحرایی (نویسنده) — محمد مهدی سیار (شاعر) — سیمین دخت وحیدی (شاعر) — مولانایان (نویسنده و تصویرگر)

محمد مهدی رسولی:

شعر با «روزمرگی» می‌میرد!



چگونه به تو نشنم می‌دهند عکب شهاب که چشم‌هات نمی‌سوزد از برق باغ‌هلوی آتش! چگونه آدمی تو که بال روی شانه‌هات سوار موج خدا! چگونه فرشته‌ای چگونه آدمی می‌آید که صدات از آینه می‌آید و مستعین عجول هیچ‌وقت نداشتند جیوه، صدای شکست شیعی ثانیه هاست در برابر هندسه شانه‌های شهیدت.



مخدوش می‌شود. خب بله، من در نقاشی‌هایم شعر می‌گویم و بطور طبیعی در شعرهایم شمایلی از جهان موعودم را تصویر می‌کنم،

اندر حکایت کارگاه‌های داستان‌نویسی

غوره نشده مویز می‌شوند؟!!

محدثه سیدمومنی



این آثار قابل بررسی و تحلیل هستند چرا که در این دوره و در محتوای بسیاری از این آثار با هجوم فرهنگ بیگانه روبرو هستیم، در دودعه چهل و پنجاه، قالب داستان از وعظ اخلاقی به مرحله خلاقیت هنری ارتقا یافت و کوکید که به جست‌وجوی عمیق در بطن هستی و هویت انسان و جامعه‌پیردازد اما در کنار این پیشرفت در فرم شاهد گسترش فرهنگ و تفکر فارسی را نوشتند. آثاری که شاید هریک از جنبه‌هایی به رمان در تعریف اصلی خود نزدیک بودند، اما از جنبه‌های دیگر تفاوت‌هایی اساسی با آن داشتند. دهه چهل عرصه گسترش مدرنیسم بی‌ریشه اقتصادی – اجتماعی – فرهنگی بود که منجر به تثبیت نظام سرمایه‌داری صنعتی و رشد فراگیر طبقه متوسط جامعه شد. این دوره را یکی از ادوار پر رونق ادبیات معاصر ایران و عرصه ظهور دستاوردهای هنری در تمامی زمینه‌ها می‌دانند. البته آثار خوبی از جهت فرم و شکل در این دهه چاپ و منتشر شد و داستان‌نویسان مستعدی در این دهه ظهور کردند با به اوج خود رسیدن اما از جهت محتوا

داستان‌نویسی به زبان فارسی در ایران به سده ششم هجری برمی‌گردد. «فرامرز بن خداداد بن عبدالله» داستان‌های عامیانه فارسی که قرن‌ها سینه‌به‌سینه نقل شده و مایه سرگرمی مردم ایران بوده را در کتابی به نام «سَمک عیار» گردآوری کرد.

او داستان‌های عامیانه خود را به زبان ساده در سه جلد روایت کرده است و به همین خاطر کتاب او منبع مفیدی برای مطالعه زبان مردمان آن دوره است.

با وجود آنکه نخستین داستان ایرانی قرن‌ها پیش به نگارش درآمده اما داستان‌نویسی به نسبت هنرهای دیگری نظیر شعر در ادبیان مورد اقبال قرار نگرفت تا آنکه عباس میرزا زمینه‌ساز تغییر و تحول‌اتی شد که نه فقط در حوزه سیاسی و اقتصادی که در حوزه فرهنگی، هنری و ادبی نیز قابل ردیابی است. او نه تنها مستشارانی از اروپا به ایران آورد، بلکه اولین گروه از محصلان ایرانی را به فرنگ فرستاد که علوم و فنون تازه را بیاموزند. اما مهم‌ترین اقدامات او که به تغییر و تحول حوزه فرهنگ و ادبیات انجامید، فرمان او برای وارد کردن صنعت چاپ، انتشار روزنامه و ترجمه متون غربی (در زمینه‌های مختلف) بود که همگی نقشی تعیین‌کننده در تغییر و تحول ادبی ایران در سال‌های بعد داشتند.

به هر حال از چنین زمانی است که آمیزش ایرانیان با غرب و شکل‌گیری جریان تجدد در دهه‌های بعد، زمینه‌ساز آشنایی ایرانیان با گونه‌های ادبی جدید مانند نمایشنامه و رمان می‌شود که البته پیش از آن، خود نمونه‌هایی از آن هاند. که کم و بیش مشابه داشتند که در اولی از تعزیه و در دومی از سنت‌های قصه‌گویی به نظم و نثر. در ادبیات فارسی می‌توان یاد کرد از ابتدا نمایشنامه‌نویسی در پی فضای آزادی که برخی دولت‌های همسایه برای مخالفان دولت ایران ایجاد کرده بودند تکوین یافت. این عده بودند که ظهور کردند با به اوج می‌توانستند در خارج از کشور

«شاعرانگی» اصلی‌ترین خصیصه آثار متنوع هنرمندانی است که شاعر بودن آنها بر هنر یا دیگر هنرهایشان سایه سنگینی دارد. از جمله اینان باید به «محمد مهدی رسولی» نویسنده، شاعر و نقاش و کارگردان اشاره کرد.

وی تاکنون بیش از ۳۰ عنوان کتاب در زمینه ادبیات و نقاشی منتشر کرده است که مضامین دینی و عرفانی، مهمترین پایه این آثار را تشکیل می‌دهد.

مجموعه شعر «تو را عشق است»، رمان «رقص بسمل» و...از کتابهای اوست.

اما «آهو درمانی» نام آخرین مجموعه ازاشعار آزاد رسولی به شمار می‌رود که ۹۰ قطعه از سروده‌های وی را در بر گرفته است. درباره این کتاب، گفتگویی با وی انجام داده‌ایم.

در کتاب اخیر شما، آهودرمانی، جدی‌ترین اشعار رنگ طنز دارد، این رویکرد ناخواسته است و یا کاملاً آگاهانه اعمال می‌شود؟

بسم الله الرحمن الرحیم،اصولاً شعر دو مواجهه اولیه، عکس‌العمل ناخودآگاهی است به صدايي که از درون، شاعر را به خود می‌خواند، صورت اولیه شعر، همواره در ناخودآگاه نقش می‌شود و سپس در مراقبت‌ها و بازیافت‌های متعدد در کارگاه خودآگاه، صیقل می‌خورد و رخ می‌نمایاند. در این مسیر هر گونه اطوار و رفتار شاعرانه صورت مثالی مفهوم و جوهره شعر است که در هیئت کلمات و یا مثلاً علامات سجاوندی ظاهر می‌شود. بنابراین رفتار طنزگونه نیز خاستگاهی جز مضمون شعر ندارد یعنی اگر مضمون، طلب طنز کند دروغ دروغ شاعر از طنز، موجب دروغ! خواهد بود. اما خود این طنز هم جای تأویل و تفسیر دارد. بطور مشخص تقریباً هیچ یک از آثار آهو درمانی، در دایره شعر طنز تعریف نمی‌شود، مگر با تسامح؛ چون شعر طنز مختصات شکلی و معنایی خود را دارد، اما به هر روی، نگاه موقعیت‌شناسانه در شعر و یا گونه‌های دیگر ادبی، زبان را به شکاده رویی، طنز و حتی گاهی مطایبه متمایل می‌کند.

*** نقاش بودن شما کاملاً در لحن و چینش کلمات اشعار کتاب آهودرمانی مشهود است، چقدر این ویژگی در معناسازی و انتقال معانی شعر‌تان موثر است؟ آیا شعر هم به نقاشی‌های شما حس داده است؟**

ببینید، نقاشی از جهان دو بعدی و پلاستیک می‌آید، حتی انتزاعی‌ترین نقاشی‌ها ساختاری ماده گون و فیزیkal دارند. نقاشی به خودی خود زبانی مستقل است که بدون در نظر گرفتن موضوع و مفهوم آن، به واسطه سلع دو بعدی و رنگدانه‌های شکل می‌گیرد، اما شعر کاملاً بی‌واسطه و از جهان انتزاع برمی‌خیزد. البته نظاظرهای تصاویرنقاشانه در شعر، در نگاه اول پارادوکسیkal می‌نماید اما اصلاً پردازش لحظات تصویری در شعر یکی از رفتارهای هدفمند شاعر است و اگر تصاویر شاعرانه یعنی لحظه‌های نادیده‌ای که ابراز دیدنشان در شعر فراهم می‌آید از ساحت شعر فاصله بگیرد، هستی شعر،